

عَيْنَ مَا فِيهِ «الْحَصْر»:

(١) لم نشاهد الأفلام من التلفاز إلا ما يُفيدنا منها! (٢) ما سعدنا إلى الجبال المرتفعة إلا الأقوياء منا!

(٣) ما أتذكر من أيام طفولتي إلا قصص أبي الجميلة! (٤) لم تبلغ الأسماك صغارها في هذا الفلم إلا سمكة واحدة!

گزینه ٣ پاسخ صحیح است. حصر در صورتی در جمله وجود دارد که استثناء مفرغ باشد یعنی مستثنی'منه محذوف

باشد که در گزینه‌ی ٣ یافت می‌شود. در سایر گزینه‌ها به ترتیب «الأفلام» و «نا» و «الأسماك» مستثنی'منه هستند.

عَيْنَ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَكْمِلُ جُمْلَةً مَا قَبْلَهَا:

(١) إِنَّ الْعِلْمَ أَحْسَنُ مِنَ الْمَالِ،

(٣) وَلَكِنَّ لِصَاحِبِ الْمَالِ أَعْدَاءَ كَثِيرِينَ،

(٢) نَعْلَمُ أَنَّ لِلْعَالِمِ أَصْدِقَاءَ كَثِيرِينَ،

(٤) هَذَا هُوَ الْفَرْقُ بَيْنَ الْعِلْمِ وَالْمَالِ!

گزینه ٣ پاسخ صحیح است.

نکته: حذف مشبه بالفعل «لكن» برای تکمیل جمله و رفع ابهام است.

عَيْنَ مَا لَيْسَ فِيهِ أَسْلُوبُ الشَّرْطِ:

(١) مَنْ يُحَسِّنُ إِلَى النَّاسِ فَاللَّهُ يَجْزِيهِ عَلَى أَحْسَانِهِ!

(٢) مَنْ يُعَامِلُ النَّاسَ بِالسُّوءِ لِيَنْظُرَ إِلَى عَاقِبَةِ أَمْرِهِ!

(٣) مَنْ يَلْتَزِمُ بِأَنْ يَكُونَ عَامِلًا بِمَا يَقُولُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ!

(٤) مَنْ سَارَ فِي طَرِيقِ الْعِلْمِ لَا يَنْدَمُ وَإِنْ تَحَمَّلَ الْمَشَقَّةَ!

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در گزینه‌ی ۲ اسلوب شرط وجود ندارد زیرا «من» در این گزینه موصول است، اگر «من»

شرط بود باید فعل به صورت «فلینظر» باشد که جواب شرط است.

عَيْنَ مَا فِيهِ طَلِبٌ لِلْقِيَامِ بِالْعَمَلِ:

(۱) ليذهبوا إلى المدرسة!

(۲) قاموا ليذهبوا إلى المدرسة!

(۳) لهم إِمَّا الذَّهَابُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ وَ إِمَّا الْبَقَاءُ فِيهَا! (۴) هم اجتمعوا لِلذَّهَابِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ قَبْلَ فَوَاتِ الْفُرْصَةِ!

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

ترجمه‌ی گزینه‌ی ۱: باید به مدرسه بروند ← معنای طلب را دارد.

عَيْنَ مَا لَيْسَ فِيهِ جَمْعٌ سَالِمٌ لِّلْمَوْنَةِ:

(١) لَطْمْنَا الْعَدُوَّ أَشَدَّ اللَّطْمَاتِ!

(٢) لِي جَوَّالٌ مِنْ أَدَقِّ الْجَوَّالَاتِ الْجَدِيدَةِ!

(٣) لِبَعْضِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ كِرَامَاتٍ كَثِيرَةٍ!

(٤) صَوْتٌ تَلَاوَةٌ الْقِرْآنِ مِنْ أَجْمَلِ الْأَصْوَاتِ لَنَا!

گزینه ٤ پاسخ صحیح است. «الأصوات» در گزینه‌ی ٤ جمع مکسر «صوت» است.

عَيْنَ مَا لَيْسَ فِيهِ مِنَ الْمْتَضَادِ:

(١) كُلُّ يَوْمٍ يَحْتَوِي عَلَى لَيْلٍ وَ نَهَارٍ! (٢) الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ كُرَّتَانِ مِنَ الْكِرَاتِ السَّمَاوِيَّةِ!

(٣) الْقِيَامُ وَ الْقَعُودُ مِنَ أَعْمَالِ الصَّلَاةِ! (٤) إِنَّ اللَّهَ يُخْرِجُ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ!

گزینه ٢ پاسخ صحیح است. لیل ≠ نهار / قیام ≠ قعود / ظلمات ≠ نور

«..... البضائع فالناس طلبوا من الحكومة أن!». عيّن المناسب للفراغات:

- (۱) قيمة / يزداد / تقللها
(۲) ثمن / كثرت / تمررها
(۳) أسعار / ارتفعت / تخفضها
(۴) نقود و يرتفع / تمنعها

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: «يزداد» برای مذکر است اما «قيمة» مونث است.

گزینه‌ی ۲: «ثمن» مذکر است اما «كثرت» مونث است.

گزینه‌ی ۴: «نقود» جمع مونث سالم غیرانسان است که فعل مونث می‌خواهد اما «يرتفع» برای مذکر است.

عَيْنَ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ:

(١) تَجْتَهِدُ الْأُمُّ لِتَرْبِيَةِ أَوْلَادِهَا اجْتِهَادًا بِالْغَا! (٢) حَاوَلَ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ!

(٣) لِأَنَّ الْكُتُبَ تَجَارِبُ الْأُمَمِ عَلَى مَرِّ أَلْفِ السَّنِينَ! (٤) شَجَرَةٌ يَسْتَخْدِمُهَا الْمُزَارِعُونَ كَسِيَاحِ حَوْلِ الْمَزَارِعِ!

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «تجتهد و اجتهداً» نادرست‌اند و باید به صورت «تجتهد و اجتهداً» باشد.

«اسب‌هایی را دیدم، آن اسب‌ها کنار صاحبشان بودند!» عین‌الصحیح فی‌التعریب:

(۱) نظرتُ أفراساً، و كانت أفراس في جنب صاحبها! (۲) شاهدتُ الأفراس التي كانت في جنب صاحبها!

(۳) وجدتُ الأفراس و هي كانت جنب صاحبها! (۴) رأيتُ أفراساً، كانت أفراس جنب صاحبها!

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

(۱) إذا لا تكون مقتدرًا فالآخرون لا يسمعون كلامك: هرگاه مقتدر نبودى دیگران به سخن تو گوش نمى دهند!
(۲) لا تُكرمنَّ اللئيمَ لِأنه يتمرد تمرّدأ و أنت تياس: هرگز انسان فرومایه را گرامى مدار برای این که او قطعاً نافرمانى خواهد کرد در حالى که تو مایوس شده‌اى!

(۳) السكوتُ أجملُ كلامٍ قد يستطيع أن يثير الشخص أكثر من كلِّ شيءٍ آخر: سکوت زیباترین سخنى است که گاهى مى‌تواند شخص را بیش از هر چیز دیگرى برانگیزاند!

(۴) يُصَاد الحوت لِيستفيد الكيمياءويون من زيت كبده في صناعة موادّ التجميل: نهنگ‌ها صید مى‌شوند تا شیمی‌دانان از روغن کبد آن‌ها در ساختن مواد آرایشی استفاده کنند!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: «نبودى» نادرست است و باید به صورت مضارع التزامى ترجمه شود ← «نباشى» درست است.

گزینه‌ی ۲: «نافرمانى خواهد کرد» نادرست است و باید به صورت «نافرمانى مى‌کند» باشد.

گزینه‌ی ۴: «نهنگ‌ها» نادرست است و باید مفرد باشد ← «نهنگ» صحیح است.

(۱) لا يقدر المتكبرُ العجَبُ أن يزرع بذرَ الحكمة في قلبه،: یک خودبزرگبین ستمگر نمی تواند بذر حکمتی در قلب بکارد،

(۲) لأنّ هذا القلب يُبْنَى من الصُّخُور، ولكن هذا الحكمة،: زیرا این قلب از صخره‌ها ساخته شده، لیکن این حکمت،

(۳) تَنبَت في قلب المتواضع و تَعمر فيه مدّة طويلة،: در قلب شخص فروتن می روید و در آن مدّتی طولانی ماندگار می شود،

(۴) كَأَنَّ التَّوَّاضِعَ قَرِينُ الْعَقْلِ وَ التَّكْبَرُ دَلِيلُ الْهَلَلِ: گویی که تواضع هم‌نشین عقل است و تکبر نشانه‌ی جهل!

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ترجمه صحیح گزینه‌ی ۱ این گونه است: «خودبزرگبین ستمگر نمی تواند بذر حکمت را در قلبش بکارد.»

«لَمَّا رَأَى الطَّبِيبُ أَنِّي مَصَابٌ بِالزُّكَامِ الشَّدِيدِ وَ أَيْضاً عِنْدِي شَدِيدَةٌ كَتَبَ لِي وَصْفَةً تَحْتَوِي عَلَى مَقْدَارٍ مِنَ الشَّرَابِ وَ حَبُوبٍ مَسْكَنَةٍ!» عَيَّنَ التَّرْجَمَةُ الصَّحِيحَةُ:

(۱) وقتی پزشک مرا دید که به زکام و تب شدید گرفتار شده‌ام، نسخه‌ای را که برایم نوشت محتوی مقداری شربت و قرص‌های مسکن بود!

(۲) پزشک وقتی دید من دچار زکام شدید هستم و نیز تب شدیدی دارم، نسخه‌ای برایم نوشت که محتوی مقداری شربت و قرص‌های مسکن بود!

(۳) طبیب چون دید مبتلا به سرماخوردگی سخت و تب شدید هستم، برایم نسخه‌ای نوشت که در آن شربتی بود و تعدادی قرص مسکن!

(۴) چون طبیب دچار شدن مرا به سرماخوردگی شدید و نیز تب بالا دید، نسخه را برایم نوشت که آن شامل مقداری از شربت بود و قرص‌هایی مسکن!

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. لَمَّا: وقتی / رَأَى: دید / أَنِّي مَصَابٌ بِالزُّكَامِ الشَّدِيدِ: من دچار زکام شدید هستم / أَيْضاً: عِنْدِي حَمَّى شَدِيدَةٌ: و نیز تب شدیدی دارم / كَتَبَ: نوشت / وَصْفَةً تَحْتَوِي: نسخه‌ای که محتوی / مَقْدَارٍ مِنَ الشَّرَابِ: مقداری شربت / حَبُوبٍ مَسْكَنَةٍ: قرص‌هایی

عَيْنَ الترجمة الصحيحة: «تستطيع الدلافين أن ترشدنا إلى مكان سقوط طائرة أو مكان غرق سفينة!»: دلفينها

(۱) توانستند ما را به مکان سقوط هواپیماها و غرق کشتی‌ها هدایت کنند!

(۲) می‌توانستند ما را به مکان سقوط هواپیما و غرق کشتی، راهنمایی کنند!

(۳) توانستند ما را به مکان سقوط هواپیماها یا مکان غرق کشتی‌ها هدایت نمایند!

(۴) می‌توانند ما را به مکان سقوط یک هواپیما یا مکان غرق یک کشتی، راهنمایی کنند!

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. تستطیع: می‌توانند (رد سایر گزینه‌ها) / أن ترشدنا: که ما را راهنمایی کنند / مکان سقوط

طائرة: مکان سقوط یک هواپیما / مکان غرق سفینه: مکان غرق یک کشتی

«الاستفادة من الجوّال ليست مسموحة في حصّة الامتحان!» عيّن الترجمة الصحيحة:

(١) استفاده از تلفن همراه در جلسه امتحان مجاز نیست!

(٢) به کار بردن گوشی همراه در جلسات امتحان منعی ندارد!

(٣) آوردن تلفن همراه در جلسه امتحانات مانعی ندارد!

(٤) از گوشی همراه استفاده کردن در جلسه امتحان مجاز است!

گزینه ١ پاسخ صحیح است. الاستفادة: استفاده، به کار بردن / من الجوّال: از تلفن همراه / ليست مسموحة: مجاز نیست

«صعد الزوّار كلّهم جبلَ النّور لزيارة غار حراء إلّا من لم يقدرُوا على الصُّعود!» عيّن الترجمة الصحيحة:

(۱) همه‌ی زوّار برای دیدار غار حراء در کوه نور، از آن بالا رفتند مگر آن کسی که نمی‌توانست بالا برود!

(۲) زائران همگی برای زیارت غار حراء از کوه نور بالا رفتند مگر کسانی که برای صعود قدرت نداشتند!

(۳) همه‌ی زائران به خاطر زیارت غار حراء کوه نور را در نور دیدند جز آن‌ها که قدرت بالا رفتن نداشتند!

(۴) زوّار همگی به دیدن غار حراء از کوه نور صعود می‌کنند جز آن کس که نمی‌تواند صعود کند!

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. صَعَدَ: بالا رفتند / الزوّار: زائران / کلّهم: همگی / جبلَ النور: از کوه نور / لزيارة غار حراء:

برای زیارت غار حراء / لم يقدرُوا: قدرت نداشتند / على الصعود: برای صعود

«لا قُوَّةَ تَقْدِرُ أَنْ تُنْقِذَنَا مِنْ خِرَافَاتٍ نَعِيشُ مَعَهَا إِلَّا التَّفَكُّرُ!» عَيْنَ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ:

- ۱) هیچ نیرویی که بتواند زندگی ما را از خرافه‌هایی که به آن زنده‌ایم، برهاند، جز اندیشه نیست!
- ۲) جز تفکر، قدرتی نیست که قادر باشد ما را نجات بدهد از این که با خرافات زندگی نمائیم!
- ۳) فقط قدرت اندیشیدن است که می‌تواند ما را از خرافه‌هایی نجات دهد که با آن زنده‌ایم!
- ۴) نیرویی که می‌تواند ما را از خرافاتی که با آن زندگی می‌کنیم، رها سازد، فقط تفکر است!

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

نکته: اسلوب استثناء که جمله‌ی ما قبل «إلا» منفی است می‌توان از کلمه‌ی فقط و تنها استفاده کرد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: «زندگی ما، به آن» نادرست هستند.

گزینه‌ی ۲: «از این که» نادرست است و باید به صورت «از خرافاتی که» باشد.

گزینه‌ی ۳: «قدرت اندیشیدن، زنده‌ایم» نادرست هستند و در عبارت عربی وجود ندارند.

«يَبْلُغُ الصَّادِقُونَ بِصَدَقَتِهِمْ مَا لَا يَبْلُغُهُ الْكَاذِبُونَ بِأَحْتِيَالِهِمْ!» عَيْنُ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةُ:

(۱) صادقان با صدق خود به همان چیزی می‌رسند که کاذبان با فریبکاری خود به آن نرسیده‌اند!

(۲) راستگویان با راستگویی خود به چیزی می‌رسند که دروغ‌گویان با حيله‌گری خود به آن نمی‌رسند!

(۳) اشخاص راستگو با صداقت خویش آنچه را به دست می‌آورند، اشخاص دروغ‌گو با حيله‌گری خود به دست نمی‌آورند!

(۴) افراد صادق با راستگویی خویش چیزی را به دست می‌آورند که دروغ‌گویان با فریب‌کاری خود به دست نیاورده‌اند!

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. یبلغ: می‌رسند / الصادقون: راستگویان / بصدقهم: با راستگویی خود / ها: به چیزی / لا یبلغه: به آن نمی‌رسند / الكاذبون: دروغ‌گویان / باحتیالهم: با حيله‌گری خود

(أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ) عَيِّنِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ:

(۱) به راه پروردگارت با حکمت و موعظه‌ی نیکو دعوت کن، و با آنان با آنچه نیکوتر است مجادله کن!

(۲) به راه خدای خود به وسیله‌ی دانش و پند نیکو فراخوان، و با آنان به وسیله‌ی سخنان خوب و زیبا مقابله کن!

(۳) دعوت به راه خداوند باید با حکمت و موعظه‌ی پسندیده باشد، و با آنان با هر چه نیکوتر است مجادله کن!

(۴) فراخواندن به راه خدای خود را از طریق پند و اندرز، زیبا انجام بده، و با آنان با شیوه‌ای بهتر مقابله کن!

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ادع: دعوت کن / جادلهم: با آنان مجادله کن / بالتی هی احسن: با آنچه نیکوتر است.

عَيْنَ مَا فِيهِ الْحَالُ:

(۱) جاء لنا مدعوون كثيرون هم تناولوا الطعام في ساعة متأخرة!

(۲) جاء ضيوف كثيرون و جاء صاحب البيت و استقبلهم بحفاوة!

(۳) جاء الضيوف الكثيرون و هم يتكلمون عن ذكريات الضيافة!

(۴) جاء لنا المدعوون الكثيرون حين كنا نتكلم مع أصدقائنا!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن «حال» آمده باشد. در گزینه‌ی ۳ «هم يتكلمون» حال

جمله (جمله‌ی حالیه) از نوع جمله‌ی اسمیه است و حرف (و) از نوع «واو حالیه» است.

ترجمه: «مهمانان زیاد آمدند در حالی که درباره‌ی خاطرات مهمانی صحبت می‌کردند.»

عَيْنَ الْمَصْدَرِ لَا يُبَيِّنُ نَوْعَ الْفِعْلِ:

(۱) يَا أَصْدِقَاءَ أَوْفُوا بَعْدَكُمْ وَفَاءً جَمِيلاً!

(۲) شَجَعْنَا أَصْدِقَاءَنَا فِي الْمَسَابِقَةِ تَشْجِيعاً كَثِيراً!

(۳) إِنْ كُنْتَ تَلْمِيزاً عَاقِلاً فَلَا تُضَيِّعْ أَوْقَاتَكَ تَضْيِيعاً!

(۴) إِنَّ الْعِطَارَ يَشْمُّ رَائِحَةَ الْمَسْكِ شَمّاً دَقِيقاً وَ يَعْرِفُهُ!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که مصدری را تعیین کنیم که نوع فعل را بیان نکند، یعنی در واقع گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن مفعول مطلق نوعی (بیانی) نیامده باشد. در گزینه‌ی ۳ «تضییعاً» مصدر فعل «تضییع» است و چون بعد از آن «صفت» و «مضاف‌الیه» نیامده است، مفعول مطلق تأکیدی است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: «وفاء» مصدر فعل «أوفوا» است و چون دارای صفت «جمیلاً» است، مفعول مطلق نوعی (بیانی) است.

گزینه‌ی ۲: «تشجیعاً» مصدر فعل «شجّعنا» است و چون دارای صفت «کثیراً» است، مفعول مطلق نوعی (بیانی) است.

گزینه‌ی ۴: «شمّاً» مصدر فعل «یشم» است و چون دارای صفت «دقیقاً» است، مفعول مطلق نوعی (بیانی) است.

عَيْنَ الصَّحِيحِ عَنِ «لَا» النَّافِيَةِ لِلْجِنْسِ:

(۱) لَا حَيَاءَ وَ عِفَافٌ وَ أَدَبٌ إِلَّا لِعَقْلِ ثَابِتٍ!

(۳) لَا أَتَذَكَّرُ زَمَانَ ذَهَابِنَا إِلَى تِلْكَ الْجَوْلَةِ الْعِلْمِيَّةِ!

(۲) لَا الْعِزَّةَ إِلَّا لِرَبِّنَا الرَّحِيمِ الَّذِي لَهُ كُلُّ شَيْءٍ!

(۴) لَا شَعْبٌ مِنْ شُعُوبِ الْعَالَمِ إِلَّا وَ لَهُ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ!

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. سؤال گزینه‌ی صحیح درباره‌ی «لا» نفی جنس را می‌خواهد. همان‌طور که می‌دانید اسمی که بعد از «لا» نفی جنس قرار می‌گیرد نباید «ال» و «تنوین» داشته باشد و همیشه حرکت حرف آخر آن به صورت فتحه است، با این توضیحات تنها گزینه‌ی ۴ «لا شعب» گزینه درست است. در گزینه‌ی ۱ «حیاء» تنوین گرفته است و نادرست است. در گزینه‌ی ۲ «العزّة چون «ال» گرفته است نادرست است و در گزینه‌ی ۳ «لا أتذكر: به یاد نمی‌آورم» حرف «لا» بر سر فعل مضارع آمده است (لا منفی)، در حالی که «لا» نفی جنس بر سر «اسم» می‌آید.

عَيْن مَضَارِعاً لَيْسَ مُعَادِلاً لِلتَّزَامِي الْفَارْسِي:

(۱) أمرنا بأن لا نغضب، ولكننا نغضب، و هذا الأمر شائع بيننا!

(۲) لعلّ الإنسان يعرف الحضارات من خلال الكتابات و التماثيل!

(۳) كأنّ هذا الجبل أعلى من بقية الجبال، ليتني أصعد إلى رأسه!

(۴) ليتنا نقرأ آراء عدة كُتّاب حول هذا الموضوع لنأخذ نتيجة صحيحة!

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن فعل مضارع به صورت «مضارع التزامی» ترجمه نشود. در گزینه‌ی ۱ فعل «نغضب» به صورت مضارع اخباری (خشمگین می‌شویم) ترجمه می‌شود و «مضارع التزامی» نیست.

در گزینه‌ی ۱ فعل «أن لا نغضب» به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود: «که خشمگین نشویم».

در گزینه‌ی ۲: فعل «يعرف» بعد «لعلّ» به صورت «مضارع التزامی» ترجمه می‌شود: «بشناسد».

در گزینه‌ی ۳: فعل مضارع «أصعد» بعد «ليت» به صورت «مضارع التزامی» ترجمه می‌شود: «صعود کنم».

در گزینه‌ی ۴: فعل مضارع «نقرأ» بعد «ليت» به صورت «مضارع التزامی» ترجمه می‌شود: «بخوانیم»، هم‌چنین فعل

مضارع «نأخذ» بعد حرف «لام» به صورت «مضارع التزامی» ترجمه می‌شود: «تا بگیریم».

عَيْنَ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

(۱) اتقى الناس من لا يخاف الناس من لسانه!

(۲) كان من بين أصدقائي من هو أنجح التلاميذ!

(۳) أعلم أن من جمع علم الناس إلى علمه فهو عليماً!

(۴) إن اللون الأبيض أحسن لوناً للبسة الممرضات!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن «اسم تفضیل» نیامده باشد. در گزینه‌ی ۳ «أعلم:

می‌دانم» فعل صیغه‌ی متکلم و حده مضارع است و اسم تفضیل نیست. در سایر گزینه‌ها به ترتیب «أتقى: باتقواترین»،

«أنجح: موفق‌ترین» و «أحسن: نیکوترین» اسم تفضیل هستند. در گزینه‌ی ۴ «الأبيض: سفید» اسم تفضیل نیست.

عَيْنَ نَوْعِ الْجَمْعِ يَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِي:

(۱) رَأَيْتَ هَؤُلَاءِ الْمُؤْمِنِينَ فِي الْمَسْجِدِ!

(۳) شَاهَدْتُ الطُّلَابَ جَالِسِينَ فِي الصَّفِّ!

(۲) عَلَيْنَا أَنْ نَرْحَمَ الْمَسَاكِينَ!

(۴) اتِّحَادَ الْمُسْلِمِينَ يَسَبِّبُ تَقَدُّمَهُمْ!

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن نوع جمع (جمع مذکر سالم، جمع مؤنث سالم و جمع مکسر) متفاوت باشد. در گزینه‌ی ۲ «المساکین» جمع مکسر «المسکین» است، اما در سایر گزینه‌ها به ترتیب «المؤمنین»، «جالسین» و «المسلمین» جمع مذکر سالم هستند.

در گزینه‌ی ۳ «الطلاب» جمع مکسر «الطالب» است که از ایرادات وارده بر این سؤال است.

- (۱) إن لم تُمطر السَّمَاء فتواجهه = (الجافّ)
(۲) مكانٌ جعلِ الأقدام هو = (الوطأة)
(۳) هو الجزء الذي نأكله من الفاكهة = (النوى)
(۴) يقف في الشّارع لرعاية المرور = (الشرطة)

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در گزینه‌ی ۲ آمده است که «مکان قرار گرفتن پاها همان ... (= الوطأة: محل قرار دادن پا) است.» که چنین چیزی درست است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: «اگر آسمان باران نبارد پس مواجه می‌شویم با ... (= خشک) نادرست است و باید (الجفاف: خشکی) قرار می‌گرفت.

گزینه‌ی ۳: «... همان جزئی است که آنرا از میوه می‌خوریم.» (= هسته‌ی میوه) نادرست است، چرا که برخی از میوه‌ها هسته‌ی آنها خورده نمی‌شود و مردم خود میوه را می‌خورند.

گزینه‌ی ۴: «... می‌ایستد برای رعایت عبور و مرور.» (= اداره‌ی پلیس) در این جا باید (الشرطی: مأمور پلیس) نوشته شود.